



کاک فواد در تاریخ 17-2-1347

بیوگرافی و روزشمار مبارزاتی کاک فواد مصطفی سلطانی

تهیه و تنظیم: کولبر نیوز

■ سال ۱۳۲۷ روز هفتم فروردین در روستای آلمانه در منطقه مریوان متولد شد. پدر وی محمدرشید مصطفی سلطانی و مادرش بهیه کهنه‌پوشی بودند.

■ سال ۱۳۳۳ شروع آموزش ابتدایی در مدرسه قآنی در آلمانه که تا کلاس چهارم را در این مدرسه درس می‌خواند.

■ سال ۱۳۳۷ به شهر سنندج رفته و در مدرسه چهارم آبان ثبت نام می‌کند. قبلاً چند تن از برادرانش در سنندج تحصیل می‌کردند.

■ سال ۱۳۳۹ وارد دبیرستان رازی سنندج می‌شود.

■ سال ۱۳۴۲ در دبیرستان هدایت در رشته ریاضی ادامه تحصیل می‌دهد.

■ سال ۱۳۴۵ موفق به اخذ دیپلم شده و سپس چند ماهی در اداره دخانیات شهر مریوان مشغول انجام کار می‌شود.

■ سال ۱۳۴۶ در کنکور سراسری دانشگاه‌ها شرکت می‌کند و در دوازده دانشگاه مختلف قبول می‌شود. تمایل خود فواد این بود که به دانشگاه نفت آبادان برود. در امتحان کتبی با نمره خوب قبول می‌شود ولی هنگام امتحان شفاهی از وی می‌پرسند: «اگر شما را نخست وزیر ایران کنند چکار می‌کنید؟

جواب می‌دهد که: نخستین اقدام من تأمین رفاه و آسایش برای مردم کردستان، بلوچستان و مناطق فقیرنشین تهران و دیگر شهرها خواهد بود. به‌خاطر این نوع جواب دادن وی را قبول نمی‌کنند. پس از آن تصمیم گرفت به بخش مهندسی برق دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران برود.

■ سال ۱۳۴۸ کاک فواد همراه با رفقا فعالانه در حال آماده‌سازی فکری و عملی خود برای در پیش

گرفتن خطمشی نوینی از مبارزه می‌شوند و سرانجام تشکیلات کومه‌له را در پاییز این سال پایه‌ریزی می‌کنند.

■ سال ۱۳۵۰ از دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، بعنوان مهندس برق، فارغ التحصیل می‌شود.

■ سال ۱۳۵۱ در دوران سربازی، بعنوان افسر وظیفه در کارخانه برق مریوان مشغول به کار می‌شود.

بدلیل ایستادگی در مقابل ساواک و فرماندار مریوان، وی را از منطقه دور می‌کنند.

■ سال ۱۳۵۲ در شهر بروجرد لرستان بقیه دوران افسر وظیفه‌ای را طی می‌کند.

■ سال ۱۳۵۳ برای در تماس بودن با جوانان و دانش‌آموزان در هنرستان صنعتی سنندج شروع به تدریس

می‌کند.

■ ۲۸ مهرماه ۱۳۵۳ توسط ساواک دستگیر و او را به زندان کمیته مشترک ساواک و شهربانی در تهران

می‌برند. در دادگاه به چهار سال زندان محکوم می‌شود.

■ سال ۱۳۵۶ بدرخواست خودش وی را به زندان سنندج منتقل می‌کنند.

■ # سال ۱۳۵۷

■ تیرماه به‌همراه دیگر زندانیان به مدت ۲۴ روز دست به اعتصاب غذا می‌زنند که کاک فواد هدایت آنرا

بر عهده دارد.

■ ۶ مهرماه از زندان آزاد می‌شود. روز بعد از آن از سنج به روستای آلمانه محل اقامت خانواده‌اش برمی‌گردد.

■ روز ۲۰ مهرماه در جمع بزرگ خانوادگی‌شان پیام مشترکی از طرف خانواده‌اش به این مضمون دریافت می‌کند که: «تو در طی این چهار سال زندان، رنج و اذیت و آزار زیادی کشیده‌ای، دیگر بیش از این فعالیت سیاسی نکن و در فکر زندگی آینده خودت باش!» کاک فواد همچون همیشه با متانت و با احترام زیاد به صحبت‌های همه گوش فرا داد و در پاسخی کوتاه و مدلل برای‌شان توضیح داد که فعالیت و مبارزه تازه شروع شده است. کاک فواد در آنروز هم مصمم بودن خودش در ادامه مبارزه را به آن‌ها نشان داد و هم این‌که آن‌ها را متقاعد کرد که دیگر در این زمینه سخنی نگویند.

■ ۲۹ مهرماه در شهر مریوان با جمع‌هایی از دوستان و محافل مختلف دیدار و گفتگوهای انجام داد. وی پس از آزادی از زندان تنها ۲۲ روز در میان خانواده باقی‌ماند و هیچگاه از حضور و دیدارش در میان اعضای خانواده سیر نشدیم.

■ ۳ آبان‌ماه به همراه یکی از دوستانش "سهراب کیقبادی" (یاد عزیزش گرامی باد!) سفری به شمال کردند و خواهرمان ملکه را باخود به رامسر و نزد پزشکی چینی برای معالجه با طب سوزنی بردند. ملکه مدتی طولانی بود که از یک بیماری رنج می‌برد و برای کاک فواد بسیار مهم بود که وی مداوا شود.

■ ۵ آبان ماه کاک فواد به امید آزاد شدن کاک شعیب زکریایی به جلو زندان قصر در تهران رفت. آن روز مسن‌ترین و جوان‌ترین زندانیان زندان قصر آزاد شدند. صفر قهرمانی مسن‌ترین زندانی سیاسی بود که ۳۲ سال در زندان بود. کاک فواد به همراه صفرخان به دانشگاه تهران و سپس به منزل‌شان رفت.

■ آذرماه هنگامی که به ابتکار کاک فواد مراسم استقبال از شعیب زکریایی (که از زندان آزاد شده بود) برنامه‌ریزی می‌شد، جناح مذهبی احمد مفتی‌زاده اطلاعاتی پخش کردند تحت عنوان «او از ما نیست».

(یعنی اینکه به پیشواز وی نروید!) استقبال باشکوه مردم شهر سنندج که انعکاس وسیعی داشت در واقع به معنای دست رد زدن بر سینه جناح مذهبی و حمایت از جبهه چپ و رادیکال در سنندج بود.

■ آذرماه و در جریان برگزاری نخستین کنگره کومه‌له که در دو شهر نقده و سنندج انجام گرفت، کاک فواد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. در گرماگرم کنگره اول کومه‌له در نقده، بنا به تقاضای کاک فواد و به منظور حمایت از توتونکاران منطقه بانه، جلسات را متوقف کردند. (مدتی بعد ادامه کار کنگره در سنندج انجام گرفت). در پاییز این سال کاک فواد به همراه تعدادی از رفقای شهرهای اهواز، بروجرد و خرم‌آباد دیداری در شهر سنندج انجام داد. یکی از این رفقا محسن نهاوندی عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق بود که در زندان رژیم شاه جزو محکومین به ابد بود. وی در زندان به صفوف کومه‌له پیوسته بود و بدنبال سقوط رژیم شاه مسئول تشکیلات کومه‌له در خرم‌آباد و اهواز بود. نهاوندی در سال ۱۳۶۰ جانباخت. شخص دیگر این دیدار بهروز معینی بود. پرویز میری اهل اهواز یکی دیگر از حاضرین در این جلسه بود که این دو نفر با کمال تأسف هر دو در جریان تصادف ماشین و در دو نقطه متفاوت جان باختند. یکی از اقدامات ارزشمند این رفقا این بود که با همکاری سازمان وحدت انقلابی در اهواز

کتابخانه‌ای به نام کاک فواد گشودند که عکسی از کاک فواد زینت‌بخش تابلوی آن بود. کاک فواد در همین ماه و در جریان هدایت اعتصاب مردم روستای "بیلو"ی مریوان برای باز پس گرفتن زمین‌هایشان از فنودال‌ها نقش برجسته‌ای ایفا کرد.

■ دی‌ماه جامعه معلمان مریوان بعنوان نخستین تشکل علنی و دموکراتیک ایجاد شد که کاک فواد نقش عمده‌ای در بنیانگذاری آن برعهده داشت.

■ روز ۱۲ بهمن‌ماه کاک فواد در مریوان بود. در این روز خمینی به ایران برگشت و کودک نوزاد برادرمان حسین بنام (رزگار) جان سپرد.

■ ۲۲ بهمن‌ماه مجسمه شاه در مریوان پایین کشیده شد و شهربانی تسخیر شد. کاک فواد نخستین کسی بود که از بالای دیوار حیاط وارد شهربانی شد. آن شب بنا به پیشنهاد کاک فواد رئیس کلیه ادارات دولتی مریوان دستگیر شدند.

■ ۲۳ بهمن‌ماه کاک فواد در بیمارستان شهر سقز به دیدار کاک محمد حسین کریمی شتافت که روز قبل از آن و در جریان تسخیر شهربانی سقز زخمی شده بود.

■ ۲۴ تا ۲۶ بهمن‌ماه کاک فواد به همراه دیگر رفقای کومه‌له در شهر بوکان جلسه داشتند.

■ ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ رفیق محمد حسین کریمی جانباخت. بدین مناسبت در این روز فعالیت علنی کومه‌له اعلام گردید.

■ ۲۷ بهمن‌ماه در مراسم تشییع جنازه محمد حسین کریمی، کاک فواد شرکت کرد و در همین روز و به همین مناسبت اولین اطلاعیه اعلام فعالیت علنی کومه‌له پخش گردید.

■ ۳۰ بهمن ماه کاک فواد در مهاباد بود تا در جلسه مشترک نمایندگان مردم شهرهای کردستان با نمایندگان دولت جدید ایران شرکت کند. در این جلسه کاک فواد فعالانه در تدوین «قطعنامه هشت ماده‌ای مهاباد» حاوی خواست‌های مردم کردستان سهیم بود. این قطعنامه تسلیم نمایندگان دولت ایران گردید.

■ ۱۶ اسفندماه سومین جلسه اتحادیه دهقانان با شرکت کاک فواد در مریوان برگزار شد.

■ ۱۷ اسفندماه (هشتم مارس ۱۹۷۹) به مناسبت روز جهانی زن کاک فواد خطابه‌ای در مورد روز زن و جایگاه زن در جامعه نوشت که توسط ناهید محمدی در جمعیت معلمین مریوان قرائت گردید.

■ روزهای آخر اسفند و جنگ خونین نوروز سنندج کاک فواد در این شهر بود. رفقای از کومه‌له در مذاکرات با سران جمهوری اسلامی که به سنندج آمده بودند، شرکت داشتند. در این جلسات صدیق کمانگر بعنوان سخنگوی شورا و نماینده کومه‌له در این گفتگوها شرکت داشت. کاک فواد به منظور همفکری و تبادل نظر در مورد تشکیل شورای انقلاب شهر سنندج با رفقای خود در گفتگو و نشست بود.

■ #سال ۱۳۵۸

■ ۹ فروردین کاک فواد در سنندج بود که حادثه جان‌گداز تصادف کاروان کمک‌های مردم کردستان به مردم ترکمن صحرا رویداد. در این جریان ۹ تن از رفقای عزیزمان به نام‌های فریده و جمیل زکریایی، گلریز قبادی، فائزه قطبی، دکتر فتح الله نژادیان، جمیل سجادی، اساعیل علی‌پناه، دکتر اسعد وزیری و رئوف کمانگر جان باختند.

■ ۱۱ فروردین کاک فواد همراه با دیگر رفقا اطلاعیه کومه‌له در مورد رفراندوم روز ۱۲ فروردین روز رأی ندادن به جمهوری اسامی را نوشتند.

■ ۱۲ فروردین کاک فواد در سنج در جوار دیگر رفقا در تظاهراتی وسیع برای گفتن نه به رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت کرد.

■ ۳۱ فروردین جنگ نقده در گرفت و کاک فواد در مهاباد همراه با جناب ماموستا شیخ‌عزالدین حسینی مشغول مشاوره بودند. وی مدام با رفقای کومه‌له که در نقده محاصره شده بودند در ارتباط بود.

■ ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)، کاک فواد در مریوان بود که برای اولین بار مراسم باشکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد.

■ ۱۶ اردیبهشت‌ماه کاک فواد در جریان تظاهرات بزرگ شهر و روستاهای مریوان برای حمایت از دهقانان منطقه صوما و برادوست (ارومیه) نقش عمده‌ای ایفا کرد.

■ شب ۵ خردادماه نخستین دسته پیشمرگان اتحادیه دهقانان به رهبری کاک فواد از شهر خارج شدند.

■ ۸ خردادماه پیشمرگان اتحادیه دهقانان مریوان گشت سیاسی-نظامی علنی خود را آغاز کردند. روز بعد کاک فواد نامه‌ای در مورد فعالیت این پیشمرگان برای رفقای کمیته مرکزی کومه‌له می‌نویسد.

■ ۸ تیرماه درگیری روستای خانگای جوجو (در منطقه مریوان) شروع می‌شود که یکی از رویدادهای مهم منطقه مریوان در آن زمان بحساب می‌آید.

■ ۱۲ تیرماه نشست بزرگ اتحادیه دهقانان و روشنفکران مریوان با شرکت نمایندگان ۶۶ روستا در آبادی «وله‌ژیر» برگزار شد که در آن کاک فواد شرکتی فعال داشت. این نشست شهرت به سزایی پیدا کرد.

■ ۲۰ تیرماه کنفرانس کمیته مرکزی کومه‌له در شهر مهاباد برگزار شد.

■ ۲۱ تیرماه کاک فواد در مورد تجارب اتحادیه دهقانان، مشکلات داخلی سازمان کومه‌له و مواضع خویش در زمینه اتحاد و تشکیل حزب کمونیست و چند موضوع مهم دیگر در (جمعیت راه رهایی زحمتکشان) سخنرانی کرد و به پرسش‌های شرکت کنندگان پاسخ داد.

■ ۲۲ تیرماه کاک فواد و چند تن از رفقا به منطقه "مرگور" (در آذربایجان غربی) می‌روند و با تعدادی از مبارزین کردستان ترکیه دیدار می‌کنند.

■ ۲۳ تیرماه در مریوان تظاهراتی برپا می‌شود که نقطه عطفی بود در مبارزات مردم شهر. در این تظاهرات میان نیروهای انقلابی از یکسو و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از سوی دیگر، درگیری و تیراندازی رویداد. کاک فواد در این روز در مریوان نبود.

■ ۲۶ تیرماه شورای شهر مریوان تشکیل شد که کاک فواد یکی از اعضای آن بود.

۲۶ تا ۲۸ تیرماه گفتگوهای فشرده‌ای میان شورای شهر مریوان به رهبری کاک فواد و فرمانده پادگان مریوان انجام شد تا راه حلی برای مشکلات شهر یافته شود. کاک فواد از چندین منبع و از جمله تعدادی از آشنایان برای جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی تحرکات نیروهای رژیم مثلاً در داخل پادگان مریوان استفاده کرد.

■ ۳۱ تیرماه تا ۱۴ مردادماه کوچ تاریخی مردم مریوان به منظور اعتراض به آمدن نیروهای سپاه پاسداران به داخل شهر. این دوره از تاریخ مملو است از مبارزه، تلاش و فعالیت مردم مریوان و کردستان. تعداد زیادی از مبارزین و آزادی‌خواهان ایران و کاک فواد ستاره‌گان درخشان این تاریخ کم نظیر هستند.

■ ۵ مردادماه راهپیمایی صدها مبارز شهر سنندج بطرف مریوان شروع شد که برای نشان دادن پشتیبانی از کوچ مردم مریوان و همچنین با هدف اعتراض به زندانی شدن تعدادی از رفقاییشان در پادگان مریوان انجام گرفت.

■ ۷ مردادماه راهپیمایی صدها تن از شهرهای سقز، بانه و بوکان با همان هدف راهپیمایان سنندجی بسوی مریوان.

■ ۱۳ مردادماه کاک فواد در اردوگاه «کانی میران» برای مردم مریوان سخنرانی کرد. این سخنان عبارت بود از تحلیل و جمع‌بندی پی‌آمدهای کوچ مردم، نقاط مثبت و زیان‌های آن، گفتگوها با نمایندگان جمهوری اسلامی و اینکه هنگام آنست که به کوچ مردم خاتمه داده شود و مردم به شهر مریوان برگردند.

■ ۱۵ مردادماه کاک فواد می‌گوید مایل است که همراه خانواده‌اش باشد.

این آخرین دیدار خانواده ما با کاک فواد بود. مادرمان بسیار نگران بود، گویی که دلش خبردار شده بود که فاجعه‌ای در انتظار خود و فرزندانش است. به کاک فواد گفت: «فرزند عزیزم، خیلی می‌ترسم و ترسم تنها از رژیم نیست، بلکه از وابستگان آنها می‌ترسم که به خون تو تشنه‌اند. می‌ترسم بلایی سرت بیایند و همچون اسماعیل شریف‌زاده تنها عکس‌هایت برایم به یادگار بماند!» (اسماعیل شریف‌زاده از مبارزان

محبوب جنبش مسلحانه سال‌های ۴۷-۱۳۴۶ بود که در درگیری با نیروهای ساواک و ژاندارمری (جانب‌اخت). کاک فواد آرام و متین به مادرمان جواب داد: «مادر جان با احترام تمام برای احساسات مادرانه‌تان می‌خواهم که از این فکرها نکنید. بچه‌های دیگر دوروبرتان هستند.

■ شب پانزدهم مردادماه در روستای «گویزه کویره» مریوان همراه با پیشمرگان اتحادیه دهقانان جلسه‌ای می‌گیرد و در مورد رابطه و موقعیت تشکیلاتی‌اش در سازمان کومه‌له با آن‌ها سخن می‌گوید.

■ ۱۶ مردادماه کاک فواد و رفیق عثمان روشن‌توده به سنج سفر می‌کنند. هم‌سفرانشان آن‌هایی بودند که عازم شرکت در نخستین آموزشگاه پیشمرگان کومه‌له در روستای «گورهمر» در منطقه سردشت بودند. (یحیی دونداری، صالح سرداری، حمید فرشچی، حسن شعبانی و...).

■ ۱۷ مردادماه کاک فواد به دره «خری ناوزنگ» در کوهستان‌های مرزی ایران و عراق برای دیدار با اتحادیه میهنی کردستان و آقای جلال طالبانی سفر می‌کند.

■ ۱۹ مردادماه به روستای «گورهمر» بازمی‌گردد.

■ ۲۰ و ۲۱ مردادماه به مهاباد و بوکان می‌رود.

■ ۲۲ مردادماه کاک فواد و عثمان روشن‌توده به پاوه رفته و به دیدار با مردم متحصن روستای «قوری قلعه» در منطقه اورامان می‌روند. کاک فواد برای متحصنین سخنرانی می‌کند.

■ ۲۳ مردادماه بدنبال پیچیده شدن اوضاع در شهر پاوه و چند منطقه دیگر، مجدداً به دیدار اتحادیه میهنی می‌رود.

■ ۲۴ مردادماه کاک فواد در روستای «گورهمر» در جمع رفقای کومهله حاضر می‌شود و آن‌ها را راضی می‌کند که به دعوت حزب دموکرات برای شرکت در مراسم ۲۵ مرداد (سالروز تشکیل حزب دموکرات کردستان ایران در شهرک ربط) منطقه سردشت پاسخ مثبت بدهند. رفیق عمر ایلخانی‌زاده در آنجا پیامی قرائت می‌کند و کاک فواد خود نیز در مراسم شرکت می‌کند. کاک فواد و رفقا ابراهیم علی‌زاده و حسین مرادیگی (حمه سور) هم در «گورهمر» بودند که خبر درگیری در منطقه کرفتو (نزدیک دیواندره مابین شهرهای سنندج و سقز) و جانباختن رفیق یحیی خاتونی (از معلمین و روشنفکران انقلابی شهر سقز) می‌رسد. آنها فوراً جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و صحبت از این می‌کنند که چگونه فعالین "جمعیت‌های" شهرهای کردستان و نیز سازمان کومهله بطور عملی وارد مبارزه شوند. گفتگوی زیادی صورت می‌گیرد و نظرات مختلفی ارائه می‌شود. یکی از رفقا پیشنهاد می‌کند رأی‌گیری کنند. کاک فواد حرفش را قطع می‌کند و می‌گوید «ما باید مستقیماً به مثابه تشکیلات کومهله وارد عمل بشویم و هیچ لزومی به رأی‌گیری نیست. چند نفر برای رفتن به آنجا حاضر شوند، من هم همراه خواهم بود. « همراه چند تن به شهر بانه می‌روند. در آنجا به رفیق محمد مهتدی می‌گویند با شیخ جلال حسینی تماس بگیر تا از نظر نظامی برای درگیری «کرفتو» به ما کمک کند.

■ ۲۷ مردادماه کاک فواد از بانه به سقز می‌رود و از آنجا عازم کرفتو می‌شود. وقتی که می‌رسند درگیری تمام شده است.

■ ۲۸ مردادماه در «جمعیت دفاع از زحمتکشان» در سقز نشستی صورت می‌گیرد. در آنجا افرادی در مورد پشتیبانی کردن از اتحادیه دهقانان صحبت می‌کنند. کاک فواد آخرین نفری است که صحبت می‌کند

و می‌گوید اتحادیه دهقانان نقش خود را ایفا کرده و کارش تمام شده است. اکنون باید خودمان را برای مقابله در برابر هجوم رژیم به کردستان آماده کنیم.

■ ۲۹ مردادماه بخشی از رهبری کومه‌له در شهر بوکان جمع می‌شوند و اطلاعیه‌ای می‌نویسند تحت عنوان «خلق کرد در بوته‌ی آزمایش» که ایده آن را کاک فواد پیشنهاد کرده است. این اطلاعیه درواقع اعلام موضع کومه‌له در قبال فرمان جهاد علیه مردم کردستان بود.

■ ۳۰ مردادماه کاک فواد به شهر بانه می‌رود.

■ ۳۱ مردادماه در جلسه جمعیت‌های شهرهای کردستان در شهر بانه شرکت می‌کند. در این روز به خانه‌ای در سنندج تلفن می‌زند و با ملکه و حشمت که آنجا هستند صحبت می‌کند. با ملکه در مورد نگرانی‌اش از زندانیان پادگان مریوان سخن می‌گوید و اصرار دارد که هرچه زودتر آن‌ها به مریوان برگشته و با تمام توان و نیروی خود در اعتصابی که در جلو دژبان ژاندارمری مریوان برافزوده است شرکت کنند و بکوشند تا زندانیان را آزاد کنند.

■ اول شهریورماه کاک فواد در جلسه‌ای بمنظور همکاری سازمان‌های سیاسی در شهر بانه شرکت کرده است. مام جلال طالبانی و رهبرانی از اتحادیه میهنی نیز در این جلسه شرکت داشتند.

■ ۲ شهریورماه نشست تمام جریان‌ات سیاسی کردستان ایران یعنی کومه‌له، حزب دموکرات و سازمان چریک‌های فدایی و تعدادی دیگر برای بحث پیرامون چگونگی مقاومت در برابر یورش رژیم به کردستان برگزار شد.

■ ۳ شهریورماه در پادگان مریوان ۹ تن از مبارزین شهر به نام‌های احمد و حسین پیرخضری، بهمن اخضری، جلال نسیمی، فایق عزیزی، احمد قاضی‌زاده، علی داستانی، امین مصطفی‌سلطانی و حسین مصطفی‌سلطانی تیرباران می‌شوند.

■ ۴ شهریورماه خبر اعدام‌های پادگان مریوان به کاک فواد می‌رسد.

■ ۵ شهریورماه کاک فواد به همراه ابراهیم جلال که از مسئولان نظامی اتحادیه میهنی کردستان است و بین بیست تا سی پیشمرگ به همراه داشت با ماشین عازم منطقه مریوان می‌شوند. در نزدیکی روستای «وشکلان» به رفقای اتحادیه دهقانان و مبارزینی که از شهر مریوان خارج شده‌اند، می‌رسند.

■ ۶ تا ۷ شهریورماه کاک فواد مرتباً در حال جلسه گرفتن با رفقای مختلف و تلاش برای سازمان دادن مجدد نیروی مسلح آنهاست. همچنین نقشه و طرح حمله به منظور تصرف پادگان مریوان را با آنها در میان می‌گذارد.

■ ۸ شهریورماه کاک فواد، ابراهیم جلال، طهمورث اکبری (چریک فدایی)، آقای شیخ عثمان خالدي و پسرشان ناصح از «وشکلان» بطرف جاده مریوان-سقز می‌روند با این هدف که ماشینی گیر آورده و به بانه برگردند. بدلیل اینکه پاسگاه روستای «قمچیان» در آن دوروبر از طرف رژیم بازگشایی شده، مسیرشان را تغییر داده و دیر وقت شب وارد روستای «آگجه» میشوند.

■ ۹ شهریورماه سال ۱۳۵۸ از روستای «آگجه» خارج شده و قصد دارند به جاده مریوان-سقز رفته تا بلکه ماشینی برای رفتن به بانه گیر بیاورند. نزدیک ساعت ده صبح مطابق نقشه‌ای از پیش طراحی شده و مشکوک از جانب رژیم، در میان روستاهای «بسطام» و «کانعمت» با نیروی مسلح زیادی مرکب از

مزدوران و پاسداران به رهبری مصطفی چمران درگیر می‌شوند. کاک فواد و رفیق طهمورث بدنبال چند ساعت درگیری و مقاومت جان‌شان را از دست می‌دهند. قابل توجه اینکه در آن چند روز و بویژه در روز نهم شهریور اوضاع منطقه بسیار غیرعادی و پیچیده شده بود. مرتباً هلیکوپتر بر فراز روستای آلمانه، محل اقامت خانواده‌ی ما در پرواز و آمد و رفت بودند. این رفت و آمدها آن‌چنان چشمگیر بود که مادرمان در میانه شیون و زاری در سوگ دو فرزند اعدام شده‌اش حسین و امین، هراز گاهی به زبان کردی می‌گفت: «طیاره‌های چمران اینور و آنور می‌روند، در پی شکار جوانان مریوان هستند.

■ ۱۰ شهریورماه قبل از ظهر جنازه‌ها را به مریوان منتقل می‌کنند. ساعت یازده صبح جنازه کاک فواد به روستای آلمانه می‌رسد و در میان موجی از احترام و عشق فراوان توأم با اندوه خانواده و مردم زیادی که در گورستان «تاله‌سوار» حاضر شده بودند. در کنار دو برادر دیگرمان کاک امین و کاک حسین به خاک سپرده شدند. در همان روز رادیو تهران در بخش اخبار ساعت دو بعد از ظهر خود خبر جانبازان کاک فواد را بعنوان خبری مهم پخش کرد.

یاد عزیزش در دل ما نسل جوان، رهروان راه سرخس برای همیشه خواهد ماند و زندگی مبارزاتی او، الگوی ما برای رسیدن به دنیای برابر و عاری از هرگونه ستم و نابرابری خواهد بود.

برگرفته از کتاب: کاک فواد مصطفی سلطانی، بیوگرافی، آرمان‌ها و چگونگی جان‌باختنش

به قلم: ملکه، رضا و حشمت مصطفی سلطانی